



# انحراف در اجراءات: رسيدگي به شكايات خشونت مبتني بر جنسيت عليه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاكم

دسمبر ۲۰۲۳

## راجع به این گزارش

این گزارش بخشی از یک سلسله مطالعات موضوعی در مورد مسائل جاری حقوق بشر مرتبط به مردم افغانستان است که توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) در چهارچوب قطعنامه ۲۶۲۶ (۲۰۲۲) شورای امنیت که با قطعنامه ۲۶۷۸ (۲۰۲۳) تمدید شد، انجام شده است. قطعنامه ۲۶۲۶، یوناما را موظف می‌کند که با "تمام جوانب ذینفع در سطح ملی و محلی، جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی برای حمایت و ترویج حقوق بشری همه افغان‌ها در تعامل باشد" و به نظارت، گزارش دهی و دادخواهی در مورد وضعیت افراد ملکی، پیشگیری و از بین بردن خشونت به شمول اتخاذ یک رویکرد قربانی محور جهت جلوگیری و رسیدگی به خشونت‌های جنسی و خشونت‌های مبتنی برجنسیت اجتماعی، ادامه دهد... و برای دسترسی برابر به عدالت دادخواهی نماید.

هیئت معاونت سازمان ملل متحد  
در افغانستان (یوناما)



# ۱. مقدمه

یوناما تلاش های دولت های متوالی افغانستان را برای رسیدگی به واقعات خشونت های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران<sup>۱</sup>، به ویژه از طریق تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که در سال ۲۰۰۹ وضع گردید<sup>۲</sup>، نظارت نموده است. میزان واقعات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران افغان قبل از تسلط طالبان بر افغانستان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به شمول رفتارهای سنتی مضر<sup>۳</sup> بسیار بالا<sup>۴</sup> بود. اما بعد از آن، گزارش ها حاکی از آن است که به دلیل تاثیرات بحران اقتصادی، مالی و انسانی بر کسانی که در افغانستان زندگی می کنند<sup>۵</sup> و به تبع آن نیازمند شدن میلیونها افغان به کمک های بشر دوستانه<sup>۶</sup>، خشونت های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران بیشتر شده است. سیاست های تبعیض آمیز مقامات حاکم طالبان<sup>۷</sup>، در قبال زنان و دختران، از جمله در رابطه به آموزش (محدود به زیر صنف هفت و بنا بر گزارشها به مدارس دینی بعد از ختم دوره ابتدائیه)، آزادی گشت و گذار، آزادی عقیده و بیان (شامل انتخاب لباس)، اشتغال (بخش صبحی، امنیت در میدان هوایی کابل، بعضی از بخشهای سکتور تولیدی و برخی از کارهای جانبی دیگر در داخل پولیس اداره حاکم) و مشارکت در زندگی عمومی؛ آسیب پذیری زنان و دختران افغان را در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت، چه در حوزه عمومی و چه در حوزه خصوصی، بیشتر کرده است، که مورد دوم شامل خشونت خانگی و خشونت توسط شوهر نیز می باشد که به طور فزاینده ای مسائل خانوادگی پنداشته می شود.

<sup>۱</sup> "خشونتی که علیه زن به دلیل زن بودن آن ارتکاب می یابد یا تأثیر نامتناسب بر زنان داشته باشد." به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۵ در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و به تجدید توصیه عمومی شماره ۱۹، بند ۱ مراجعه کنید. همچنین به بخش II قسمت الف: چارچوب بین المللی این گزارش نیز مراجعه نمایید.

<sup>۲</sup> در ۲۰۰۹ دولت افغانستان قانون منع خشونت علیه زن را وضع نمود. قانون مذکور ۲۲ مورد از خشونت علیه زنان و دختران را جرم انگاری نمود. برای تحلیل مفصل چارچوب قانونی محو خشونت علیه زنان و دختران در افغانستان، به گزارشهای دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر که ذیلا ذکر می گردد، مراجعه نمایید: هنوز راه طولانی که باید پیمود: تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، سال ۲۰۱۲ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ راهی که باید پیمود: تجدید گزارش درباره تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، سال ۲۰۱۳ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ عدالت از نگاه زنان افغان: قضایای خشونت علیه زنان که از طریق میانجیگری و فیصله محاکم مورد رسیدگی قرار گرفته اند، سال ۲۰۱۵ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ بی عدالتی و معافیت: میانجیگری جرایم خشونت علیه زنان، سال ۲۰۱۸ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر که در آدرس ذیل قابل دسترسی می باشد: <https://unama.unmissions.org/women%27s-rights-reports>

<sup>۳</sup> کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ملل متحد (کمیته سیدا) "رفتارهای سنتی مضر" را چنین تعریف می نماید: "نگرش سنتی که زنان را تابع مردان می پندارد یا نقش های کلیشه ای برای زنان قایل باشد" که باعث نهادینه سازی "رفتارهای خشونت آمیز و اجباری گسترده مانند خشونت و بد رفتاری خانگی، ازدواج اجباری گردد... این نوع عملکردها و پیش داوری ها ممکن سبب توجیه خشونت های مبتنی بر جنسیت تحت عنوان محافظت یا کنترل زنان گردد. تاثیرات این خشونت ها بر تمامیت فردی و کرامت انسانی زن، سبب محرومیت زنان از برخورداری و استیفای حقوق بشری و آزادی های اساسی آنها می گردد." توصیه عمومی شماره ۱۹، ۱۹۹/۲ مشاهده گردد.

<sup>۴</sup> حدود نیمی از زنان افغان که مورد بررسی (سروی) قرار گرفتند، گزارش دادند که حداقل یک نوع خشونت خانگی، جسمی، جنسی، روانی یا ازدواج اجباری را در طول زندگی خود تجربه کرده اند. رجوع کنید به: اداره احصائیه مرکزی، وزارت صحت عامه و سازمان آی سی ایف (۲۰۱۷) سروی جمعیتی و صحت افغانستان ۲۰۱۵.

<sup>۵</sup> کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر، وضعیت حقوق بشر در افغانستان، گزارش کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر، A/HRC/49/24 در ۴ مارچ ۲۰۲۲

<sup>۶</sup> ملل متحد، وضعیت افغانستان و پیامدهای آن بر صلح و امنیت بین المللی، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد، A/76/862-S/2022/485 در ۱۵ جون ۲۰۲۲. همچنان به "هماهنگ کننده ی امور بشردوستانه از جهان می خواهد که مردم افغانستان را در این لحظه ی مخاطره آمیز رها نکنند" نیز مراجعه گردد، در ۶ اپریل ۲۰۲۲ و قابل دسترسی در <https://news.un.org/en/story/2023/04/1135422> در ۱۰ جون ۲۰۲۳ بازدید گردید.

<sup>۷</sup> در این تحقیق تمام ارجاع ها به مقامات حاکم طالبان، منحیث نهادها یا مقامات اداره حاکم درج می گردد، مگر اینکه طوری دیگری بیان گردد.

قبل از تسلط طالبان بر کشور، وزارت سابق امور زنان و ادارات ولایتی آن در سراسر کشور، خارتوانی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان<sup>۸</sup> در دفتر لوی خارتوانی و واحدهای حل پرابلم های خانوادگی در ادارات تحقیقات جنایی پولیس ملی افغانستان، که جمعا نهادهای منع خشونت علیه زنان خطاب می گردیدند، بعضی از بازیگران کلیدی دولتی بودند که برای تامین عدالت یا دسترسی قربانیان<sup>۹</sup> خشونت علیه زنان و دختران به عدالت، توظیف گردیده بودند. این نهادها با گذشت زمان تقویت شدند و شروع به هماهنگی بیشتر تلاشهای خویش از جمله اسکان قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت در تأسیسات حفاظتی مانند مراکز حمایتی زنان<sup>۱۰</sup> کردند. پس از اینکه طالبان خود را به عنوان مقامات اداره حاکم در افغانستان تثبیت کردند، این ساختارها یا به تدریج از بین رفتند یا مطابق با نظام عدلی طالبان که عمدتاً بر اساس قواعد شرعی است، تغییر کاربردی<sup>۱۱</sup> دادند.

بین ۱۵ اگست ۲۰۲۱ و ۱۵ جولای ۲۰۲۲، یوناما مشاهده نمود که رسیدگی به شکایات/قضایای<sup>۱۲</sup> خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاکم، نامشخص و متناقض است. به منظور درک بهتر چگونگی رسیدگی و طی مراحل این شکایات/قضایا، قوانین قابل اجرا و نهادهایی که موظف به دریافت، رسیدگی و قضاوت بر چنین قضایا در نظام عدلی و قضایی طالبان هستند؛ یوناما با مقامات اداره حاکم و فعالان جامعه مدنی مصاحبه های را در باره موضوعات فوق انجام داد. در رابطه به اینکه چه نوع اعمال یا رفتارها قبل از تسلط طالبان بر کشور، جرایم خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان<sup>۱۳</sup> شمرده می شد، یوناما قانون منع خشونت علیه زن را که در سال ۲۰۰۹ نافذ گردید به عنوان مأخذ<sup>۱۴</sup>، استفاده کرد.

با توجه به بعضی محدودیتها در جمع آوری اطلاعات، این گزارش به دنبال ارائه یک تصویر جامع از پاسخ مقامات نظام عدلی و قضایی اداره حاکم به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران در سراسر کشور نیست، بلکه در صدد ارائه ی یک تصویر مختصر از آن بین ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا مارچ ۲۰۲۳ می باشد.

۸ لوی خارتوانی و واحدهای تابعه آن در سراسر افغانستان فعالیت های تعقیب عدلی خویش را پس از آن متوقف کردند که در ۲۰۲۲ اگست لوی خارتوانی اداره حاکم طی نامه ای به ریاست های خارتوانی در سراسر کشور دستور داد که ادارات خارتوانی هیچ گونه دوسیه ای را که برای تحقیق از سوی نهادهای کشفی یا سایر نهادها فرستاده می شود، نپذیرند. براساس فرمان رهبر طالبان، ملا هبت الله آخوند زاده، در ۲۱ مارچ ۲۰۲۳، لوی خارتوانی اداره حاکم تغییر هدف و صلاحیت داده شد و به نام "لوی ریاست تعقیب و نظارت از فرامین و احکام" نام گذاری گردید. براساس معلومات دریافتی از لوی ریاست تعقیب و نظارت از فرامین و احکام، فعلا ریاست مذکور بر "اجرای فرامین" تمرکز دارد و در قسمت تحقیق از جرایم مقامات اداره حاکم ذیصلاح می باشد و در تحقیق جرایم افراد عادی دخیل نمی باشد.

۹ شناسایی فردی که خشونت مبتنی بر جنسیت را به عنوان «قربانی» یا «متضرر» تجربه کرده است، در درجه اول به ترجیح/خودشناسایی فرد مربوطه بستگی دارد که باید مورد احترام قرار گیرد. بستری که این اصطلاح در آن استفاده می شود ممکن است متفاوت باشد. به عنوان مثال، اصطلاح "قربانی" به طور مرتب زمانی استفاده می شود که نشان می دهد شخصی در معرض نقض حقوق بین الملل یا جنایت قرار گرفته است. این اصطلاح از این جهت وسیع است که قربانیان خشونت جنسی افرادی هستند که مستقیماً خشونت را تجربه کرده اند و همچنین افرادی که به طور غیرمستقیم تحت تاثیر قرار گرفته اند (مثلاً کودکانی که در اثر تجاوز جنسی متولد شده اند). اصطلاح "متضرر" بیشتر در رابطه به روند بهبودی فردی که خشونت مبتنی بر جنسیت را تجربه کرده است استفاده می شود، زیرا به معنای عاملیت و انعطاف پذیری است. هیچ توافقی در سطح سازمان ملل در مورد استفاده از این یا آن عبارت وجود ندارد. هر دو اصطلاح را می توان به طور همزمان و به جای هم استفاده کرد. برای اهداف این گزارش، از عبارت "قربانی" استفاده شده است. "متضرر" بر فرد تمرکز دارد درحالیکه "قربانی" گستره سیستم تبعیض جنسیتی را که زنان و دختران با آن روبرو هستند تشخیص می دهد.

۱۰ "بی عدالتی و معافیت: میانجیگری جرایم خشونت علیه زنان"، توسط دفتر یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، می ۲۰۱۸، صفحه ۳۳، قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/women%27s-rights-reports>

۱۱ پاورقی شماره ۸ مشاهده گردد.

۱۲ در حقوق جزا به طور کلی، یک فرد از طریق شکایت جزایی فرد دیگر متهم به جرم می شود. بنابراین، شکایت جزایی چیزی است که معمولاً شروع رسمی یک دوسیه جرمی علیه یک مظنون می باشد. برای اهداف این گزارش، اصطلاح "شکایت" به طور کلی استفاده می شود در حالی که اصطلاح "قضایا" مرتبط به محاکم اداره حاکم استفاده می شود.

۱۳ جمهوری اسلامی افغانستان، قانون منع خشونت علیه زن، نافذ در ۲۰۰۹، مواد ۴ و ۵.

۱۴ استفاده از قانون منع خشونت علیه زن (۲۰۰۹) به عنوان یک مرجع، به دلیل فقدان چارچوب قانونی و بالیسی واضح توسط اداره حاکم در قبال شکایات خشونت علیه زنان و دختران، پس از تسلط طالبان بر افغانستان در ۱۵ اوت ۲۰۲۱، ضروری بود.

## ۱۱. چارچوب حقوقی

### الف. چارچوب حقوقی بین المللی

اعلامیه منع خشونت علیه زنان (۱۹۹۳) "خشونت علیه زنان" را این گونه تعریف می کند: "هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی بر زنان شود یا احتمالاً منجر به آن شود به شمول تهدید به چنین اعمال، اجبار یا سلب خودسرانه آزادی، چه در زندگی عمومی یا خصوصی."<sup>۱۵</sup>

### "دولت های عضو باید به تساوی زن با مرد در برابر قانون را موافقت نماید"

ماده ۱۵ بند (۱) کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان، ۳ سپتامبر ۱۹۸۱

کمیته سازمان ملل متحد برای رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۳۵ در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و به روز رسانی شده ای توصیه عمومی شماره ۱۹ (۲۰۱۷)، خشونت مبتنی بر جنسیت را چنین تعریف کرده است: "خشونت که علیه یک زن به دلیل زن بودن وی ارتکاب می یابد یا اینکه زنان را به طور نامتناسب متأثر می سازد". کمیته مذکور تصریح نموده است که "مفهوم خشونت علیه زنان" همانطور که در اسناد بین المللی تعریف شده است، بر این واقعیت تأکید دارد که چنین خشونتی مبتنی بر جنسیت است. بنابراین، اصطلاح "خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان..." اصطلاح دقیق تری است [زیرا] علل و تأثیرات جنسیتی خشونت را آشکار می کند. کمیته همچنین تأکید کرده است که "این اصطلاح درک خشونت را به عنوان یک مشکل اجتماعی و نه فردی بیشتر تقویت می کند که نیازمند پاسخ های جامع و فراتر از واکنش ها به رویدادهای خاص یا مجرمین و قربانیان/بازماندگان فردی است"<sup>۱۶</sup>. بر این اساس، در این مطالعه از اصطلاح "خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران" استفاده شده است.

افغانستان عضو کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۱۷</sup> و متعهد به مفاد آن می باشد. کنوانسیون مذکور دول عضو را ملزم به احترام، حفاظت و تحقق حقوق زنان بدون تبعیض هم در اسناد تقنینی و هم در عمل می سازد. مواد ۲ (ج)، ۳، ۵ (الف) و ۱۵ کنوانسیون مذکور، مربوط به دسترسی به عدالت است. بند الف ماده ۵ مستلزم از بین بردن کلیه هنجارهای اجتماعی است که زنان را از استیفای حقوق شان باز می دارد. مواد ۱۵ تا ۱۷ مکلفیت های را برای تضمین برابری زنان در پیشگاه قانون<sup>۱۸</sup> و جلوگیری از هرگونه تبعیض علیه زنان در زمینه تحصیل، زندگی اجتماعی و اقتصادی و تساوی حقوق زنان در زندگی خانوادگی تعیین می کند. علاوه بر این، کنوانسیون مذکور مقرر می دارد که ازدواج طفل، یک ازدواج باطل است.

<sup>۱۵</sup> اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد منع خشونت علیه زنان، A/RES/48/104، ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳، ماده ۱.

<sup>۱۶</sup> کمیته منع خشونت علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۵ راجع به خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان، و به روز شده توصیه عمومی شماره ۱۹ (۲۰۱۷)، CEDAW/C/GC/35، ۲۶ جولای ۲۰۱۷، پاراگراف ۹.

<sup>۱۷</sup> جمهوری اسلامی افغانستان کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را در مارچ ۲۰۰۳ تصویب نمود.

<sup>۱۸</sup> همچنان به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قطعنامه (XXI) 2200A مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، ماده ۱۴ مراجعه گردد.

معاهدات بین المللی که افغانستان یکی از جوانب<sup>۱۹</sup> آنها و متعهد به مفاد آن است، هرگونه تبعیض علیه زنان و دختران را منع می کند و دولت را مکلف می سازد تا برای تضمین برابری زن و مرد جهت بهره مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و از بین بردن خشونت و سایر رفتارهای سنتی مضر علیه زنان، اقدام کند.

## ب. چارچوب حقوقی داخلی راجع به منع خشونت علیه زنان

قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ می گوید که اتباع افغان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی هستند و هر نوع تبعیض و تمایز بین اتباع افغانستان ممنوع است<sup>۲۰</sup>. همچنان، بند ۱ ماده ۷ قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ تعهد به پایبندی به معاهدات بین المللی را تایید می کند: "دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند"<sup>۲۱</sup>.

در سال ۲۰۰۹، قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان با فرمان تقنینی رئیس جمهور منحه یک قانون کلیدی حاکم بر مسائل خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران در افغانستان نافذ گردید.

قانون مذکور ۲۲ رفتاری که خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران<sup>۲۲</sup> را شکل می دهد، جرم انگاری نمود. براساس بند ۱ و ۲ ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن، شاکی می تواند در هر مرحله ی از رسیدگی عدلی، از شکایت خود منصرف شود، به استثنای پنج مورد خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران که دولت باید در قبال آن عمل کند، صرف نظر از اینکه شکایتی ثبت شده باشد یا خیر یا بعداً انصراف در آن صورت گرفته باشد. این جرایم عبارتند از: تجاوز جنسی؛ مجبور نمودن به فحشاء؛ ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک؛ مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک که معمولاً به عنوان پنج جرم شدید خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نیز

<sup>۱۹</sup> جمهوری اسلامی افغانستان جانب معاهدات بین المللی ذیل می باشد: کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی؛ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه؛ کنوانسیون حقوق طفل و دو پروتکل اختیاری آن (پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق طفل در مورد دخالت اطفال در منازعات مسلحانه و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق طفل در مورد فروش اطفال، تن فروشی اطفال و پورنوگرافی اطفال)؛ و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت.

<sup>۲۰</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۰۰۴، ماده ۲۲

<sup>۲۱</sup> برای تحلیل مفصل چارچوب حقوقی منع خشونت علیه زنان و دختران در افغانستان، به گزارشهای دفتر یوناما که ذیلاً ذکر می گردد، مراجعه نمایید. هنوز راه طولانی که باید پیمود: تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، سال ۲۰۱۲ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ راهی که باید پیمود: تجدید گزارش درباره تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، سال ۲۰۱۳ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ عدالت از نگاه زنان افغان: قضایای خشونت علیه زنان که از طریق میانجیگری و فیصله محاکم مورد رسیدگی قرار گرفته اند، سال ۲۰۱۵ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر؛ بی عدالتی و معافیت: میانجیگری جرایم خشونت علیه زنان، سال ۲۰۱۸ توسط دفتر یوناما/کمیته عالی ملل متحد برای حقوق بشر که در آدرس ذیل قابل دسترس می باشد: <https://unama.unmissions.org/women%27s-rights-reports>

<sup>۲۲</sup> جمهوری اسلامی افغانستان، قانون منع خشونت علیه زن، ۲۰۰۹، ماده ۵: ارتکاب [۲۲] اعمال ذیل علیه زن، خشونت شناخته میشود: تجاوز جنسی؛ مجبور نمودن به فحشاء؛ ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک؛ مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک؛ مجروح یا معلول نمودن؛ لت و کوب؛ خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج؛ بد دادن؛ نکاح اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج؛ نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تخویف؛ آزار و اذیت؛ انزوای اجباری؛ اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر؛ منع تصرف در ارث؛ منع تصرف اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحتی؛ کار اجباری؛ ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی؛ نفی قرابت.

شناخته می شود. سایر جرایم مندرج قانون منع خشونت علیه زن پس از ثبت شکایت توسط قربانی یا یکی از اعضای خانواده وی، مورد رسیدگی و تعقیب عدلی قرار می گیرد.

به عنوان یک قانون خاص<sup>۲۳</sup>، قانون منع خشونت علیه زن [برای تعیین مجازات] در جرایم تجاوز جنسی و جراحت و معلولیت به قانون جزای سال ۱۹۷۶ که بعداً در سال ۲۰۱۷ بازنگری گردید، ارجاع میکند. بخش‌های دیگر قانون جزای جدید [کود جزا] (۲۰۱۷)، اعمال خشونت آمیز دیگری را که بر علیه زنان و دختران ارتکاب می یابد و در قانون منع خشونت علیه زن درج نگردیده است، مانند قتل و اختطاف، جرم انگاری کرده است. با این حال، راه حل‌های مدنی که حفاظت از قربانیان و فرزندانشان را تسهیل کند، مانند دستورات حفاظت یا محدودیت [برگشت و گذار و سایر اعمال متهم]، ارائه نمی کند.

علاوه بر آن، قانون منع خشونت علیه زن مقامات مسئول را موظف می کند که اقدامات حفاظتی و حمایتی را به نفع قربانیان انجام دهند به شمول هماهنگی فعالیت های خود جهت تامین حفاظت و فراهم کردن مکان امن برای قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت و افزایش آگاهی زنان و مردان در مورد حقوق قانونی و مذهبی شان. در زمان حکومت سابق، این مکلفیت بر عهده هشت وزارتخانه دولتی<sup>۲۴</sup>، یک کمیسیون عالی برای منع خشونت علیه زنان و همه والیان در ۳۴ ولایت افغانستان، گذاشته شده بود که بعداً به دستور کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان، والیان ولایات موظف گردید که کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زنان را در سطح ولایت برای مبارزه با خشونت علیه زنان، ایجاد نمایند.

پیش از به دست گرفتن کنترل افغانستان توسط مقامات اداره حاکم، میانجیگری<sup>۲۵</sup> قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط ساختارهای سنتی حل منازعات خارج از سیستم قضایی، یک چالش بود. تلاش‌هایی که توسط حکومت قبلی برای وضع قانونی جهت تنظیم میانجیگری در دعوی، از جمله امور جزئی مدنی در جریان بود، با رخداد ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به نتیجه نرسید. بند یک و دو ی ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن در عمل، به این صورت تفسیر شد که در صورت صلاحدید قربانی یا خانواده اش، ماده مذکور اجازه ی میانجیگری در قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را داده است. در زمان حکومت قبلی، میکانیزم های سنتی حل اختلافات شامل متنفذین قومی، جرگه‌ها (گردهمایی بزرگان به طور غیررسمی به منظور حل و فصل اختلافات خانواده‌ها یا افراد یا سایر مسائل اجتماعی)، شوراها (شوراهای محلی) و علما، بود.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، وزیر عدلیه اداره حاکم، عبدالحکیم شرعی، در سپتامبر ۲۰۲۱، طرح طالبان برای اداره کشور را با انفاذ موقت موادی از قانون اساسی ۱۹۶۴ افغانستان اعلام کرد و بر احترام به "قواعد و اسناد بین‌المللی" که "در تضاد با موازین شرعی نباشد" نیز اشاره نمود<sup>۲۶</sup>.

<sup>۲۳</sup> اصطلاح "قانون خاص" نه تنها برای اشاره به اختصاص یک قانون به منع خشونت های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران به کار برده می شود، بلکه برای نشان دادن به تخصص یا [نیاز به متخصصین] جهت اجرای آن نیز استفاده می شود.

<sup>۲۴</sup> این وزارت خانه های قبلی عبارت بودند از: وزارت امور زنان، وزارت حج و اوقاف، وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله و وزارت صحت عامه.

<sup>۲۵</sup> به طور مثال، مراجعه شود به جستجوی عدالت در جرایم خشونت علیه زنان و دختران، یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، دسامبر ۲۰۲۰، صفحه ۱۱. قابل دسترس در:

[https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Countries/AF/UNAMA\\_OHCHR\\_Violence\\_Women.pdf](https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Countries/AF/UNAMA_OHCHR_Violence_Women.pdf) در ۱۵ جون ۲۰۲۳ بازدید گردید.

<sup>۲۶</sup> صدای آمریکا، طالبان می گوید، آنها بخش از قانون اساسی نظام شاهی را فعلاً برای اداره کشور اجرا میکند، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱، قابل دسترس در: <https://www.voanews.com/a/taliban-say-they-will-use-parts-of-monarchy-constitution-to-run-afghanistan-for-now/6248880.html> در ۲۵ جون ۲۰۲۳ بازدید گردید.

هیبت الله آخوندزاده، رهبر طالبان، در دسامبر ۲۰۲۱ فرمائی را صادر کرد که بر اساس آن اجبار زن به ازدواج و دادن زن منحیث جبران (بد) ممنوع و به رضایت زنان در ازدواج، تأکید گردید، ولی حد اقل سن ازدواج در فرمان مذکور تصریح نشد. همچنین به حقوق میراث زنان در دارایی شوهر، پدر، برادر، فرزند یا خویشاوندانشان نیز تأکید گردید. با این حال، این فرمان به چند همسری مردان اذعان می‌کند و از آنان می‌خواهد که "برای همه زنان حقوقی مطابق شرع قائل شوند و عدالت را بین آنها برقرار نمایند". اما، این فرمان به سایر حقوق زنان و دختران، از جمله، حقوق آنها برای تحصیل، کار و آزادی گشت و گذار یا مشارکت در زندگی عمومی اشاره نمی‌کند. از میان نهادهای اداره حاکم، وزارتخانه های حج و اوقاف و اطلاعات و فرهنگ، والیان و ولسوالان اداره حاکم به طور مشخص مسئول اجرای این فرمان توظیف شدند و همچنین ستره محکمه توظیف گردید که "هدایات را به همه محاکم صادر نماید تا آنها عرایض زنان خصوصاً در باره حقوق بیوه ها و ظلم بر آنها را به گونه ای اصولی [شرعی] بگیرند و درین مورد غفلت نمایند".<sup>۲۷</sup>

## "ما درباره اینکه چه نظام سیاسی را در افغانستان پیاده میکنیم، صحبت نمی‌کنیم چون این واضح است که شریعت را تطبیق می‌کنیم"

وحیدالله هاشمی، یکی از فرماندهان ارشد طالبان، مصاحبه با مطبوعات در ۱۸  
اگست ۲۰۱۸

مقامات اداره حاکم در موارد متعدد اعلام کرده اند که قواعد شرعی چارچوب قانونی قابل اجرا در افغانستان است.<sup>۲۸</sup> در اواسط سال ۲۰۲۲، مقامات اداره حاکم بازنگری همه قوانین را که قبل از تسلط طالبان تصویب شده بود جهت سازگاری با شریعت<sup>۲۹</sup> آغاز کردند که هنوز جریان دارد و سبب بلاتکلیفی حقوقی گردیده است. درحالیکه بنا بر گزارش ها، بخش هایی از قانون جزای سال ۲۰۱۷ مغایر با قواعد شرعی تلقی می شود<sup>۳۰</sup>، اما تا به امروز مشخص نشده است که کدام بخش ها.

<sup>۲۷</sup> فرمان خاص رهبر طالبان در باره حقوق زنان، فرمان شماره ۳۹۵ مورخ ۳ دسامبر ۲۰۲۱، قابل دسترس در [https://twitter.com/Zabehulah\\_M33/status/146666248437532672](https://twitter.com/Zabehulah_M33/status/146666248437532672) در ۱۱ جون ۲۰۲۳ بازدید گردید.

<sup>۲۸</sup> رویترز، اختصاصی، شورا ممکن بر افغانستان حکومت کند، طالبان با عساکر و خلبانان تماس می‌گیرد، ۱۹ اگست ۲۰۲۱، قابل دسترس در: <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/exclusive-council-may-rule-afghanistan-taliban-reach-out-soldiers-pilots-senior-2021-08-18>

اختصاصی، یکی از چهره های بلند پایه طالبان می گوید زنان افغان نباید در کنار مردان کار کنند، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱، قابل دسترس در <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/exclusive-afghan-women-should-not-work-alongside-men-senior-taliban-figure-says-2021-09-13/>

آسوشیتد پرس، مقام طالبان، مجازات سختگیرانه و اعدام ها بر می‌گردد، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱، قابل دسترس در <https://apnews.com/article/religion-afghanistan-kabul-taliban-22f5107f1dbd19c8605b5b5435a9de54>؛  
طلوع نیوز، مقامات: افغانستان به قانون اساسی نیاز ندارد، ۴ سپتامبر ۲۰۲۲، قابل دسترس در <https://tolonews.com/afghanistan-179697>;

آسوشیتد پرس، طالبان افغان می گوید که آنها به قوانین سختگیرانه اسلام پابند می‌باشند، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲، قابل دسترس در <https://apnews.com/article/afghanistan-business-taliban-921f029801814736709d0445336a53cf> تمام لیکها در این پا ورقی به تاریخ ۱۵ جون ۲۰۲۳ باز دید گردید.

<sup>۲۹</sup> وزیر عدلیه اداره حاکم، وزارت عدلیه بر تسریع بازنگری قوانین تأکید می‌کند، ۱۰ اپریل ۲۰۲۲، قابل دسترس در <https://moj.gov.af/en/minister-justice-accentuated-upon-expedition-law-revision-process>، در ۱۵ جون ۲۰۲۳ بازدید گردید.

<sup>۳۰</sup> مصاحبه با هشت مقام اداره حاکم.



## ۱۱۱. روش شناسی

برای تکمیل نظارت مستمر خویش از چگونگی رسیدگی به واقعات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران از ۲۱ اگست ۲۰۲۱ به این طرف، دفتر یوناما یک سری مصاحبه ها را بین اگست ۲۰۲۲ تا مارچ ۲۰۲۳ با مقامات اداره حاکم و فعالین جامعه مدنی در سراسر کشور انجام داد. پاسخ های دریافتی یک تصویر مختصر از وضعیت را ارائه می دهد.

هدف مصاحبه ها درک بهتر موارد ذیل بود:

- آیا میکانیزم های رسمی مبارزه با خشونت علیه زنان و طرزالعمل های مدیریت قضایا که در زمان حکومت سابق ایجاد شده بود، هنوز قابل اجرا اند؟ آیا جایگزینی برای آنها ایجاد شده است.
- آیا شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط مقامات اداره حاکم دریافت و رسیدگی می شود؟ و بیشتر چه نوع شکایات می باشد؟ اگر دریافت و رسیدگی می شود، توسط کدام نهاد یا نهادهای اداره حاکم، و چگونه دسته های مختلف جرایم خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران رسیدگی می شود؟
- آیا نهادهای مذکور اداره حاکم، واحدها و پرسونل اختصاصی برای رسیدگی به قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران دارند؟
- آیا شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران به سایر ساختارهای اداره حاکم یا میکانیزم های دیگر ارجاع می شوند، اگر بلی براساس کدام معیارها؟
- و آیا میکانیزم های حفاظتی برای قربانیان موجود است؟

یوناما در سراسر افغانستان مجموعاً ۷۱ مصاحبه با مقامات اداره حاکم (۶۷ مرد و ۴ زن) از جمله با پولیس وزارت امور داخله اداره حاکم (از این پس به عنوان پولیس اداره حاکم)، واحدهای خاړنوالی، محاکم، ریاست های عدلیه و ادارات امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم انجام داد. با فعالین جامعه مدنی، در مجموع ۸۷ مصاحبه (با ۵۷ مرد و ۳۰ زن) نیز انجام شد. گرچند یوناما در صدد مصاحبه با مقامات اداره حاکم در تمام ۳۴ ولایت افغانستان بود، اما در چهار ولایت<sup>۳۱</sup> به دلیل قابل دسترس نبودن آنها برای مصاحبه یا به دلیل ناتوانی یوناما در دسترسی به ولایات مذکور، مصاحبه انجام نشد. از مقامات اداره حاکم در افغانستان دعوت شد تا نظرات مستند خویش را در مورد محتوای این گزارش ارائه کنند و پاسخ آنها ضمیمه این گزارش می باشد.

<sup>۳۱</sup> بادغیس، دایکندی، غور و فراه

## IV. یافته ها

### الف. انواع شکایات که توسط مقامات اداره حاکم دریافت گردید

بیشترین نوع شکایات گزارش شده ای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران که به پولیس، خارنوالی ها، و محاکم اداره حاکم ثبت گردیده است عبارت بودند از: قتل<sup>۳۲</sup> به شمول قتل های دارای انگیزه ناموسی<sup>۳۳</sup>، تجاوز جنسی<sup>۳۴</sup>، جراحت و معلولیت<sup>۳۵</sup>، و محرومیت زن از ارث<sup>۳۶</sup>.

ریاست های عدلیه اداره حاکم اکثراً شکایات مربوط به محرومیت از ارث<sup>۳۷</sup> و ممانعت از تصرف اموال<sup>۳۸</sup> را دریافت کرده اند در حالی که ریاست های امر به معروف و نهی از منکر اکثراً شکایات مبنی بر محرومیت از ارث، منع ازدواج یا انتخاب همسر، ازدواج های اجباری و لت و کوب<sup>۳۹</sup> را دریافت کرده اند.

### ب. چارچوب حقوقی که توسط مقامات اداره حاکم استفاده گردید

مقامات اداره حاکم گفتند که آنها قواعد فقهی شریعت را برای رسیدگی و حل و فصل قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران<sup>۴۰</sup> استفاده می کنند و در بعضی موارد قوانین حکومت سابق<sup>۴۱</sup> را نیز استفاده می کنند، اما در موارد که احکام آنها با قواعد شرعی مغایرت داشته باشد، اولویت با شریعت است. یکی از مقامات ریاست خارنوالی اداره حاکم در مناطق شمالی که اکنون ریاست مذکور دارای لایحه کاری متفاوت است، اظهار داشت که "مجازات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان بر اساس قواعد شرعی در مقایسه با قوانین جمهوری اسلامی سابق خفیف تر است". این مشخص نیست که قواعد شرعی مد نظر مقامات اداره حاکم، خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران و مجازات و جبران خساره برای آن را چگونه تفسیر می کند.

**"[در مقایسه با قوانین حکومت سابق] مجازات برای جرایم خشونت [مبتنی بر جنسیت] علیه زنان در شریعت بسیار خفیف تر است"**  
یک مقام اداره خارنوالی قبلی، مناطق شمال

تنها سه مقام اداره حاکم که با آنها مصاحبه شد، گفتند که تمام اعمال که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده بود، همچنان من حیث اعمال جرمی شناخته شده و رسیدگی می شود. معیارهای طبقه بندی

<sup>۳۲</sup> مصاحبه با ۱۶ پولیس، ۱۴ قاضی، ۱۰ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۳۳</sup> مصاحبه با ۱۱ پولیس، ۱۰ قاضی، ۸ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۳۴</sup> مصاحبه با ۱۱ پولیس، ۱۲ قاضی، ۹ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۳۵</sup> مصاحبه با ۱۴ پولیس، ۱۱ قاضی، ۸ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۳۶</sup> مصاحبه با ۹ پولیس، ۱۱ قاضی، ۴ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۳۷</sup> مصاحبه با مقامات در ۳ ریاست عدلیه اداره حاکم.

<sup>۳۸</sup> مصاحبه با مقامات در ۳ ریاست عدلیه اداره حاکم.

<sup>۳۹</sup> مصاحبه با پرسونل ۲ ریاست امر به معروف و نهی از منکر.

<sup>۴۰</sup> مصاحبه با ۳۴ مقام اداره حاکم

<sup>۴۱</sup> مصاحبه با ۲۵ مقام اداره حاکم

اعمال خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران به عنوان "مدنی" یا "جنایی" در پاسخ های مقامات اداره حاکم روشن نبود. برخی از مقامات اداره حاکم، اعمالی را که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده است، از جمله ازدواج اجباری<sup>۴۲</sup>، ممانعت از تصرف اموال شخصی<sup>۴۳</sup>، محرومیت از ارث<sup>۴۴</sup> و لت و کوب<sup>۴۵</sup> را به عنوان قضایای مدنی در نظر می گرفتند. حداقل سه مقام اداره حاکم اظهار داشتند که موارد جرمی خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران فقط شامل آن دسته از جرایم می شود که به قربانی آسیب فیزیکی برسانند. مقامات اداره حاکم که مورد مصاحبه قرار گرفتند اعمال ذیل را عمدتاً به عنوان اعمال جرمی معرفی کردند: قتل<sup>۴۶</sup>، تجاوز جنسی<sup>۴۷</sup>، ضرب و جرح<sup>۴۸</sup>، اختطاف<sup>۴۹</sup>، جراحت و معلولیت<sup>۵۰</sup>، به اصطلاح زنا<sup>۵۱</sup>، مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی<sup>۵۳</sup>.

## ج. رسیدگی به شکایات توسط مقامات اداره حاکم

نظارت یوناما دریافت که چهار نهاد اداره حاکم "قانوناً"<sup>۵۴</sup> صلاحیت رسیدگی به شکایات خشونت علیه زنان و دختران را داشتند: پولیس، محاکم، ریاستهای عدلیه/حقوق، و ادارات قبلی خارنوالی<sup>۵۵</sup>. خارنوالی ها شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را که ماهیت جرمی داشت جهت محاکمه به محاکم اداره حاکم و شکایات که ماهیت مدنی داشت به ریاست های عدلیه یا محاکم اداره حاکم ارجاع می کردند. گاهی اوقات، طوریکه ذیلاً تشریح گردیده است، شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط اداره امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم میانجیگری می گردید، در حالیکه اداره مذکور صلاحیت آنرا نداشت<sup>۵۶</sup>. این پنج نهاد اداره حاکم شکایات را دریافت، حل و فصل، و یا به سایر بازیگران، از جمله میکانیزم های سنتی حل اختلافات، برای حل و فصل ارجاع می کردند<sup>۵۷</sup>.

## پولیس اداره حاکم

پولیس اداره حاکم دریافت کننده اصلی شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران بود.<sup>۵۸</sup> بخش جنایی پولیس اداره حاکم بیشتر شکایات را بررسی و رسیدگی می کرد، سپس آنها را به خارنوالی ها یا محاکم

<sup>۴۲</sup> مصاحبه با ۲ مقام اداره حاکم

<sup>۴۳</sup> مصاحبه با ۶ مقام اداره حاکم

<sup>۴۴</sup> مصاحبه با ۱۲ مقام اداره حاکم

<sup>۴۵</sup> مصاحبه با ۲ مقام اداره حاکم

<sup>۴۶</sup> مصاحبه با ۱۸ مقام اداره حاکم

<sup>۴۷</sup> مصاحبه با ۱۳ مقام اداره حاکم

<sup>۴۸</sup> مصاحبه با ۹ مقام اداره حاکم

<sup>۴۹</sup> مصاحبه با ۱۸ مقام اداره حاکم

<sup>۵۰</sup> مصاحبه با ۵ مقام اداره حاکم

<sup>۵۱</sup> زنا یک اصطلاح عربی است که برای توصیف ممنوعیت عمل جنسی خارج از رابطه زوجیت طبق قواعد شرعی به کار می رود. زنا از نظر شرع جرم دارای حدود است، یعنی جنایی که خلاف دستورات الهی است و مجازات آن الزامی است.

<sup>۵۲</sup> مصاحبه با ۸ مقام اداره حاکم

<sup>۵۳</sup> مصاحبه با ۳ مقام اداره حاکم

<sup>۵۴</sup> مصاحبه با مقامات خارنوالی اداره حاکم.

<sup>۵۵</sup> پاورقی شماره ۸ را ملاحظه نمایید

<sup>۵۶</sup> مصاحبه با رئیس خارنوالی ولایتی اداره حاکم

<sup>۵۷</sup> مصاحبه با مقامات اداره حاکم و فعالین جامعه مدنی

<sup>۵۸</sup> مصاحبه با ۵۶ مقام اداره حاکم و ۷۸ فعال جامعه مدنی

اداره حاکم راجع می نمود. بعد از تعلیق صلاحیت تعقیب عدلی خارنوالی<sup>۵۹</sup> در اگست ۲۰۲۲، ارجاع شکایات خشونت علیه زنان به طور مستقیم توسط پولیس به محاکم اداره حاکم، به یک امر عادی تبدیل گردید.

## "... بارضایت هر دو طرف (شاکلی و متهم)، آمریت تحقیقات جنایی تلاش می کند قضایای جزایی و مدنی [خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران] را میانجی گری کند، اما اگر قضیه منجر به جراحت شده باشد، آنها میانجیگری نمی کنند." یک افسر اداره حاکم در مناطق شرقی

واحد های حل پرابلم های خانوادگی هنوز در ۲۱ ولایت<sup>۶۰</sup> وجود دارند. از آن جمله در ۱۸ ولایت<sup>۶۱</sup>، حداقل یک افسر پولیس زن در این واحدها توظیف گردیده بود. در هشت ولایت<sup>۶۲</sup>، افسران پولیس زن در این واحد ها اجازه حضور در دفتر را نداشتند، مگر اینکه از سوی آمرین شان فراخوانده می شدند. در دو ولایت<sup>۶۳</sup>، افسران پولیس زن در این واحدها نقشی در رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نداشتند و این وظیفه فقط به همکاران مرد آنها سپرده شده بود.

هنگامی که پولیس اداره حاکم شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را دریافت میکند، آنها ابتدا سعی می کنند تا قبل از ارجاع شکایات مذکور به سایر بازیگران<sup>۶۴</sup>، آنها را از طریق میانجیگری حل و فصل کنند.

## "هواگاه یک زن و شوهر چندین طفل داشته باشد، پولیس آینده اطفال را در نظر می گیرد و کوشش میکند که بین آنها مصالحه کند."

مسئول یک ریاست تحقیقات جنایی اداره حاکم، مناطق شرقی

به نظر می رسد که این رویکرد در موارد که اطفال حاصل از ازدواج وجود داشته باشد یا طرفین به میانجیگری رضایت داشته باشد، صورت می گیرد به استثنای مواقع که شکایت راجع به جراحت فیزیکی یکی از طرفین باشد. یک افسر پولیس اداره حاکم در مناطق جنوبی گفت: "قضایای خفیف [قباحت] مانند تحقیر یک زن در ملاء عام یا تهدید یک زن... قضایای مدنی اند و توسط میانجیگری حل و فصل می شود. قضایای که خفیف پنداشته می شود به مقامات بالا ارسال نمی شود" یک قومندان امنیه اداره حاکم در مناطق مرکزی گفت: "قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران، توسط ساختارهای سنتی میانجیگری می گردد". مصاحبه با سایر مقامات پولیس<sup>۶۵</sup> اداره حاکم و فعالین جامعه مدنی<sup>۶۶</sup>، نیز عین

<sup>۵۹</sup> پاورقی شماره ۸ را ملاحظه نمایید

<sup>۶۰</sup> ولایات بدخشان، بغلان، بلخ، بامیان، فاریاب، غزنی، جوزجان، کاپیسا، خوست، کنر، کندوز، لغمان، لوگر، ننگرهار، نورستان، پکتیکا، پکتیا، پروان، سمنگان، سری پل و تخار. معلومات [درباره واحدهای حل پرابلم های خانوادگی] از ۳۰ ولایت دریافت گردید.

<sup>۶۱</sup> ولایات بدخشان، بغلا، بلخ، بامیان، فاریاب، غزنی، جوزجان، کاپیسا، خوست، کندوز، لغمان، ننگرهار، نورستان، پکتیا، پروان، سمنگان، سری پل، و تخار

<sup>۶۲</sup> ولایات بدخشان، غزنی، خوست، کندوز، لغمان، نورستان، و پکتیا

<sup>۶۳</sup> ولایات بامیان و غزنی

<sup>۶۴</sup> مصاحبه با ۱۱ پولیس اداره حاکم.

<sup>۶۵</sup> مصاحبه با ۱۶ پولیس اداره حاکم.

<sup>۶۶</sup> مصاحبه با ۶۰ فعال جامعه مدنی.

موضوع را نشان داد. در مورد اینکه "ساختارهای سنتی میانجیگری" چه معنی یا نمونه‌های آنها کدام اند، در مصاحبه‌ها توضیحات ارائه نشد.

قبل از ارجاع شکایات برای میانجیگری، بعضی از پولیس‌های<sup>۶۷</sup> اداره حاکم گزینه‌هایی را در اختیار شاکی قرار دادند که آیا آنها ترجیح می‌دهند شکایت شان به طور رسمی رسیدگی شود یا به میکانیزم سنتی حل اختلافات ارجاع شود.

## محاکم اداره حاکم

محاکم اداره حاکم، دومین دریافت‌کننده اصلی شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران بودند<sup>۶۸</sup>. محاکم با استفاده از قواعد شرعی به شکایات مدنی و جزایی خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران رسیدگی می‌کردند و قضایای مدنی را به میکانیزم‌های سنتی حل اختلافات ارجاع می‌دادند، مگر اینکه قربانی درخواست می‌کرد که این موضوع توسط محاکم رسیدگی شود.<sup>۶۹</sup> به عنوان مثال، رئیس محکمه استیناف در مناطق شرقی اظهار داشت که "محاکم از شاکی می‌پرسند که به قضیه او چگونه رسیدگی شود، یعنی توسط متنفذین یا از طریق محاکم. محاکم به اراده‌ی شاکی احترام قایل است... رسیدگی توسط میکانیزم‌های سنتی حل اختلافات منجر به بازنده و برنده نمی‌شود، برخلاف آن، نظام عدلی و قضایی رسمی منجر به دوری اعضای خانواده یا اقارب از همدیگر می‌شود". وی اضافه نمود که قضایای مثل محرومیت از ارث (در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده است) و دشنام به میکانیزم‌های سنتی حل اختلافات برای حل و فصل ارجاع می‌گردد، مگر اینکه شاکی خواستار رسیدگی به قضیه توسط محاکم شود.

## ریاست‌های عدلیه اداره حاکم

سومین دریافت‌کننده‌ی شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران، ریاست‌های عدلیه اداره حاکم بود<sup>۷۰</sup>. در حالی که همه انواع شکایات مربوط به خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را دریافت می‌کرد، ریاست‌های عدلیه اما فقط قضایای مدنی - از جمله منع تصرف اموال شخصی، مسائل ارث، نفقه، و دوسیه‌های طلاق - را پیش از ارجاع به میکانیزم‌های سنتی حل اختلافات یا به محاکم، میانجیگری می‌کردند. شکایات دارای ماهیت جرمی به پولیس اداره حاکم (مخصوصاً اداره تحقیقات جنایی)، محاکم و خارتوالی‌ها ارجاع می‌گردید.<sup>۷۱</sup> یک مقام ریاست عدلیه در مناطق مرکزی گفت که دفتر او تعداد از شکایات خشونت خانگی را که زنان را متأثر ساخته بود به شمول شکایت لت و کوب (که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده است) رسیدگی نمود. او تأکید نمود "که میانجیگری را ترجیح می‌دهد چون رسیدگی توسط محاکم بسیار زمان بر است".

### "میانجیگری ترجیح داده می‌شود چون که رسیدگی از

### مجرای رسمی محاکم، بسیار زمان بر است."

### یک مقام ریاست عدلیه اداره حاکم در مناطق مرکزی

<sup>۶۷</sup> مصاحبه با ۸ پولیس اداره حاکم.

<sup>۶۸</sup> مصاحبه با ۴۴ مقام اداره حاکم و ۴۲ فعال جامعه مدنی.

<sup>۶۹</sup> مصاحبه با ۱۲ قاضی اداره حاکم.

<sup>۷۰</sup> مصاحبه با ۲۷ مقام اداره حاکم و ۱۲ فعال جامعه مدنی.

<sup>۷۱</sup> به پاورقی شماره ۸ مراجعه گردد.

اگر یک توافق میانجیگری توسط ریاست عدلیه یا میکانیزم سنتی حل اختلافات حاصل نشد، یا اگر شاکای گزینه رسیدگی توسط محاکم را درخواست کرد، در این حالت شکایت به محاکم اداره حاکم ارجاع می‌گردد.<sup>۷۲</sup> به عنوان مثال، یکی از مقامات ریاست عدلیه اداره حاکم در مناطق جنوبی اظهار داشت که وقتی دفتر او شکایتی را دریافت می‌کند، "... ممکن است به زن توصیه کند که نزد خانواده شوهرش برود و از آنها کمک بخواهد تا مشکل را حل کنند." اگر زن اصرار کند که ریاست عدلیه اداره حاکم موضوع را حل کند، آنها با شوهرش تماس می‌گیرند و از او می‌خواهند که دیگر مرتکب این عمل نشود، و تعهد (قسم) عدم ارتکاب مجدد خشونت را بجا آورد. اما زمانی که شاکای تصمیم می‌گیرد که موضوع را از مجرای محاکم طی مراحل کند، ریاست عدلیه اداره حاکم برای زنان که توانایی استخدام وکیل مدافع را نداشتند، وکیل مدافع تهیه می‌کرد. راجع به تهیه وکیل مدافع، از پاسخها استنباط می‌شد که این خدمات به طور گسترده در سراسر افغانستان موجود نیست.

## واحدهای خارنوالی اداره حاکم

تا زمان تعلیق مأموریت آن در اگست ۲۰۲۲ و سپس تغییر لایحه کاری خارنوالی ها در مارچ ۲۰۲۳ توسط رهبر طالبان<sup>۷۳</sup>، واحدهای خارنوالی اداره حاکم، چهارمین دریافت کننده اصلی شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران بودند. اینکه آنها شکایات را چگونه دریافت می‌کردند توضیح داده نشد، جز اینکه آنها فقط شکایاتی دریافت می‌کردند که ماهیت جزایی داشتند و بر اساس قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده بودند. وظایف خارنوالی شامل انجام تحقیقات، تهیه صورت دعوی و اتهام نامه علیه افراد متهم، اطمینان از اجرای فیصله های صادر شده توسط محاکم اداره حاکم، و شکایت به محاکم فوقانی [استیناف و تمیز طلبی] در جایی که حکم محاکم تحتانی مورد قبول آنها قرار نمی‌گرفت، بود. در تهیه اتهام نامه و صورت دعوی، واحدهای خارنوالی اداره حاکم از "قواعد شرعی" به ویژه "فقه حنفی" استفاده می‌کردند که قضات اداره حاکم در رسیدگی به دوسیه ها از آن استفاده می‌کردند.<sup>۷۴</sup> در بعضی از واحدهای خارنوالی، قوانین حکومت سابق برای رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران، مانند قانون اجراءات جزایی سال ۲۰۱۴، مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما تنها تا زمانیکه با قواعد شرعی سازگار می‌بود، در غیر این صورت در نظر گرفته نمی‌شدند.<sup>۷۵</sup>

قبل از تغییر حیطه کاری لوی خارنوالی قبلی<sup>۷۶</sup>، خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در ۲۲ ولایت<sup>۷۷</sup> حضور داشت و در زمان مصاحبه در پنج ولایت، دیگر وجود نداشت. از ۲۲ ولایت که هنوز این خارنوالی ها وجود داشت، در پنج ولایت<sup>۷۸</sup> هیچ خارنوالی زن در خارنوالی های آن وجود نداشت و در ۱۷

<sup>۷۲</sup> مصاحبه با ۶ مقام ریاست عدلیه اداره حاکم.

<sup>۷۳</sup> پاورقی شماره ۸ مشاهده گردد.

<sup>۷۴</sup> مصاحبه با ۱۱ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۷۵</sup> مصاحبه با ۹ خارنوال اداره حاکم.

<sup>۷۶</sup> پاورقی شماره ۸ مشاهده گردد.

<sup>۷۷</sup> ولایاتی که خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در آن وجود داشت: بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، خوست، کونړ، کندز، لغمان، ننگرهار، نیمروز، نورستان، پکتیکا، پکتیا، سرپل، سمنگان، و تخار. ولایاتی که خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان آنها وجود نداشت: بامیان، هلمند، قندهار، ارزگان و زابل. اطلاعات از ۲۷ ولایت دریافت گردید.

<sup>۷۸</sup> ولایات بادغیس، فراه، غور، هرات و نیمروز.

ولایت باقی مانده، ۱۲ ولایت<sup>۷۹</sup> به څارنوالان زن اجازه ندادند در تحقیق جرایم خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران شرکت کنند.

## ریاست امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم

علاوه بر وظیفه تحقیق و ارجاع شکایات مردم علیه مقامات اداره حاکم به نهادهای ذیربط، بعضی از ریاست های امر به معروف و نهی از منکر<sup>۸۰</sup> شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را که ماهیت مدنی داشت و جرایم به اصطلاح "اخلاقی" مانند زنا<sup>۸۱</sup> و در بعضی موارد، قضایای فرار از منزل را نیز دریافت و میانجیگری می کردند. ریاست های مذکور فقط قواعد شرعی<sup>۸۲</sup> را برای حل و فصل قضایا استفاده می کردند. یکی از مقامات اداره امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم در مناطق شرقی اظهار داشت که دفتر وی قضایای ازدواج اجباری و "ممانعت از حق ازدواج یا انتخاب شوهر" را حل و فصل کرده است (هر دو مورد در قانون منع خشونت علیه زن جرم شناخته شده است). یکی دیگر از مسئولان ریاست امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم در مناطق شرقی، گفت که سن قانونی ازدواج برای مردان و زنان ۱۸ سال است. با این حال، وی تأکید کرد که اگر دختری زیر ۱۸ سال به ازدواج موافقت کند، اداره امر به معروف و نهی از منکر عملاً ازدواج را متوقف نمی کند.

بیشترین شکایات که ادارات امر به معروف و نهی از منکر دریافت کردند در رابطه به ازدواج اجباری و مسائل ارث<sup>۸۳</sup> بودند. اداره امر به معروف و نهی از منکر، شکایات مذکور را جهت حل و فصل از طریق علما و جرگه ها یا جهت رسیدگی توسط محاکم اداره حاکم به آنها ارجاع می کردند؛ حالت دوم زمانی پیش می آمد که قضیه پیچیده بود یا زمانی که اولی [علما و جرگه ها] قادر نبودند موضوع را حل کنند. علاوه بر آن، ادارات امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم، شکایات دارای ماهیت جرمی - مانند جراحت همسر و تجاوز جنسی - را به محاکم یا پولیس اداره حاکم ارجاع می کردند. برخی از مسئولان ادارات امر به معروف و نهی از منکر<sup>۸۴</sup> گفتند که دفاتر آنها موظف به رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نیستند و در عوض شکایات مذکور را به پولیس، محاکم، واحدهای څارنوالی و ریاست های عدلیه ارجاع می کنند.

ادارات امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم، در سپتامبر ۲۰۲۱ دفاتر و پرسونل ریاست های سابق امور زنان را به دست گرفتند. پرسونل انائیه ی ریاست های امور زنان سابق، به دفاتر شان "براساس نیاز" یا زمانیکه آمرین شان آنها را فرا می خوانند، حاضر می شوند، به طور مثال برای اجرای یک کار مشخص یا امضای حضری شان.

<sup>۷۹</sup> ولایات بدخشان، بغلان، غزنی، خوست، کتر، کندوز، لغمان، ننگرهار، نورستان، پکتیکا، پکتیا، و تخار.

<sup>۸۰</sup> مصاحبه با ۳ رئیس ریاست امر به معروف و نهی از منکر، ۱۵ مقام دیگر اداره حاکم و ۷ فعال جامعه مدنی.

<sup>۸۱</sup> پآوری شماره ۵۱ مشاهده گردد.

<sup>۸۲</sup> مصاحبه با ۱۸ مقام اداره حاکم و ۷ فعال جامعه مدنی.

<sup>۸۳</sup> مصاحبه با دو رئیس ریاست امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم.

<sup>۸۴</sup> مصاحبه با شش رئیس ریاست امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم.

## والی ها/ولسوال های اداره حاکم

والی ها و ولسوال های اداره حاکم نیز شکایت های زنان و دختران راجع به خشونت مبتنی بر جنسیت<sup>۸۵</sup> را دریافت می کردند، اما این شکایت ها را بعداً به سکتور عدلی و قضایی<sup>۸۶</sup> ارجاع می کردند. در اکثر موارد، بزرگان محل تلاش می کردند که شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را میانجیگری کنند، به استثنای جرایم جدی مانند قتل که معمولاً برای تحقیق و محاکمه به پولیس یا محاکم ارجاع می کردند.<sup>۸۷</sup>

## میکانیزم های سنتی حل اختلافات

یک قومندان امنیه اداره حاکم در مناطق مرکزی و یک قاضی محکمه ابتدائیه اداره حاکم در مناطق شرقی هر دو گفتند که زنان قربانی خشونت مبتنی بر جنسیت در صدد حل و فصل شکایات خود از طریق میکانیزم های سنتی حل اختلافات می باشند.

**هواگاه یک قضیه [خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران] بوجود می آید، قضیه مذکور توسط ساختارهای محلی مانند علما، ملا امام ها و دیگران حل و فصل می شوند. اینگونه قضایا به ندرت به پولیس می رسد.**  
یک قومندان امنیه اداره حاکم در مناطق مرکزی

فعالین جامعه مدنی که به مصاحبه ها پاسخ دادند نیز عین پاسخ ها را بازتاب دادند و تاکید کردند که بسیاری از قربانیان در صدد حل و فصل اختلافات شان از مجرای میکانیزم های سنتی حل اختلافات اند و شکایات خویش را در مراجع رسمی اداره حاکم<sup>۸۸</sup> به دلیل ترس از مقامات اداره حاکم یا قربانی شدن دوباره، در ادارات مذکور ثبت نمی کنند.<sup>۸۹</sup>

جالب توجه است که اکثر بازیگران عدالت رسمی در اداره حاکم - پولیس، واحدهای خرنوالی و ادارات عدلیه اداره حاکم - هم ارجاع قضایا و هم نتایج رسیدگی به قضایای مذکور توسط میکانیزم های سنتی حل اختلافات را ثبت می کردند.<sup>۹۰</sup> اینکه آیا یک دیتابیس مرکزی برای نگهداشت آنها وجود دارد یا نه، مشخص نیست.

<sup>۸۵</sup> مصاحبه با ۱۷ مقام اداره حاکم و ۸ فعال جامعه مدنی.

<sup>۸۶</sup> مصاحبه با والی اداره حاکم، یک مقام از دفتر والی و معاون والی

<sup>۸۷</sup> همان

<sup>۸۸</sup> مصاحبه با دو مقام اداره حاکم و ۶۵ فعال جامعه مدنی.

<sup>۸۹</sup> مصاحبه با ۳۹ فعال جامعه مدنی، بدون اینکه یوناما از آنها بپرسد این پاسخ ها را آنها راجع به دلیل عدم گزارش دهی واقعات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران توسط قربانیان، ارائه کردند.

<sup>۹۰</sup> مصاحبه با ۳۰ مقام اداره حاکم



## د: مراکز حمایتی زنان

مراکز حمایتی زنان اگرچه تا قبل از ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ در تمام ولایات وجود نداشت، اما ۲۳ مرکز حمایتی زنان با حمایت دولت در ۲۲ ولایت افغانستان<sup>۹۱</sup> تحت اداره مؤسسات غیر دولتی داخلی، فعال بود. مصاحبه شونده ها تقریباً به اتفاق آرا تأیید کرد که در حال حاضر هیچ مرکز حمایتی یا پناهگاه تخصصی برای زنان در سراسر کشور وجود ندارد که قربانیان بتوانند در آن پناه ببرند.<sup>۹۲</sup>

یک افسر پولیس اداره حاکم در مناطق شمال شرقی گفت که مراکز حمایتی زنان یک مفهوم غربی است و تأکید کرد که زنان باید در کنار برادر، پدر یا شوهر خود بمانند. یک مقام خرنوالی سابق اداره حاکم در مناطق شمال شرقی گفت که "...نیازی به چنین مراکز حمایتی یا خانه امن نیست. تا زمانی که امارت اسلامی در قدرت است، هیچ کس به زنان آسیب نمی رساند." یک قاضی محکمه استیناف اداره حاکم در مناطق شمال شرقی اظهار داشت که کابینه اداره حاکم در حال انجام تحقیقات است تا ببیند که آیا نیاز به مراکز حمایتی زنان است یا خیر.

### "امارت اسلامی هیچ شلتر یا مراکز حمایتی برای زنان ندارد. آنها باید با همسر یا سایر اعضای خانواده شان که محرم<sup>۹۳</sup> شان می باشند، بمانند." یک مقام ریاست عدلیه اداره حاکم، مناطق جنوبی

برای محافظت از قربانیان، برخی از مقامات اداره حاکم گفتند که آنها خواستار تعهد - در برخی موارد، تضمین خط - از اقارب ذکور قربانی شدند، مبنی بر اینکه وی دوباره به قربانی آسیب نمی رساند.<sup>۹۴</sup> و همچنین از متنفذین محل نیز دعوت کردند تا شاهد باشند که اعضای خانواده قربانی این تضمین را می دهند.<sup>۹۵</sup> بعضی از مقامات اداره حاکم<sup>۹۶</sup> اظهار داشتند که در مواردی که نگرانی‌های امنیتی برای یک قربانی وجود داشته باشد، برای محافظت، قربانی مذکور به زندان اناثیه فرستاده می شود؛ این به آن می ماند که زندان ها برای اسکان معتادان به مواد مخدر و افراد بی سرپناه در کابل، مورد استفاده قرار گیرند.<sup>۹۷</sup>

<sup>۹۱</sup> اینها در ولایات بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، کندز، کنر، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان، سرپل و تخار بودند. در ۱۷ اپریل ۲۰۱۹، گروه کاری پیشگیری از خشونت و آگاهی عامه، متشکل از دولت سابق جمهوری اسلامی، سازمان ملل متحد و نهادهای جامعه مدنی، پیشنهاد وزارت امور زنان سابق برای مراکز حمایتی زنان را تأیید کرد. این امر باعث می شد که بودجه سالانه منظم توسط دولت برای فعالیت مراکز حمایتی زنان در سراسر افغانستان، فراهم شود.

<sup>۹۲</sup> مصاحبه با ۶۷ مقام اداره حاکم و ۸۷ فعال جامعه مدنی.

<sup>۹۳</sup> یک محرم، شوهر زن یا اقارب نزدیک ذکور وی (مانند پدر، برادر، کاکا، ماما یا برادر زاده ها) می باشد که وی مطابق شریعت مجاز به ازدواج با آنها نباشد.

<sup>۹۴</sup> مصاحبه با ۹ مقام اداره حاکم.

<sup>۹۵</sup> مصاحبه با یک مقام ریاست عدلیه ای اداره حاکم، ۴ پولیس اداره حاکم و ۲ مقام خرنوالی سابق اداره حاکم.

<sup>۹۶</sup> مصاحبه با ۷ مقام اداره حاکم به شمول یک قاضی اداره حاکم.

<sup>۹۷</sup> به طور مثال، به فرمان جمع آوری افراد فقیر [گداها] در کابل و کمک به آنها، مراجعه گردد، ۱۴۴۳/۷/۲۵ (۲۶ فبروری ۲۰۲۲)

## ۷. نتیجه‌گیری

از جمله مقامات اداره حاکم، پولیس به عنوان دریافت‌کننده بیشترین شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران، اصلی‌ترین نهادی بود که زنان و دختران مدعی اعمال خشونت مبتنی بر جنسیت، برای دریافت حمایت، به آن مراجعه می‌کردند به تعقیب آن محاکم، ریاست‌های عدلیه و واحدهای خارنوالی سابق اداره حاکم به ترتیب [از لحاظ کثرت شکایت دریافتی] مراجع دیگری برای این امر بودند. ادارات امر به معروف و نهی از منکر نیز شکایاتی را که عمدتاً در مورد ارث، منع ازدواج یا انتخاب همسر و ازدواج اجباری بود، دریافت و حل و فصل می‌کردند.

اما در زنجیره عدالت رسمی وقتی بحث نحوه رسیدگی به شکایات زنان و دختران راجع به خشونت مبتنی بر جنسیت و طی مراحل آن مطرح گردید، مشخص نشد که کدام مرجع عدالت رسمی اداره حاکم، مسئول انجام کدام اقدامات [برای تامین عدالت] است. فقدان تعیین دقیق مسئولیت‌ها در میان نهادهای مختلف اداره حاکم برای رسیدگی به شکایات مربوط به خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران و دست‌زدن شدن شکایات بین نهادهای، شکافی را در پاسخگو بودن مجریات عدالت ایجاد می‌کند و برای زنان و دختران دشوار می‌گردد تا بفهمند که وقتی مورد خشونت مبتنی بر جنسیت قرار گرفت به کدام مرجع شکایت کنند.

این وضعیت با رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت عمدتاً توسط پرسونل مرد در نهادهای مجری قانون و عدالت اداره حاکم، تشدید می‌گردید. بنا بر گزارشها<sup>۹۸</sup>، بسیاری از قربانیان به دلیل ترس از مقامات اداره حاکم، میکانیزم‌های سنتی حل اختلافات را برای دریافت خسارت [حل و فصل شکایات] شان، ترجیح می‌دادند. غیبت پرسونل زن و مقتضیات ذاتی- فرهنگی، ممکن به طور خواسته یا ناخواسته، سبب دلسردی یا امتناع قربانیان از طرح شکایات شان گردیده و موجب عدم اعتماد زنان و دختران قربانی یا در معرض خطر به نظام عدالت رسمی اداره حاکم گردد.

برخلاف صراحت قانون منع خشونت علیه زن، هیچ تفکیک واضحی از سوی مقامات اداره حاکم بین شکایات‌های خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران با ماهیت جرمی و شکایات‌هایی دارای ماهیت مدنی، وجود نداشت؛ مجریان قانون و عدالت به طور فردی و خودسرانه [براساس برداشت خودشان] در این قسمت تصمیم می‌گرفتند، به شمول مواقع که [قضایا را] به نهادهای قضایی ارجاع می‌کردند. این رویه، حمایت قانونی مؤثر از زنان و دختران را تضمین نمی‌کند که در تضاد با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است و زمینه را برای تطبیق تبعیض آمیز قوانین مساعد می‌سازد.

شکایات دارای ماهیت جرمی پنداشته می‌شد - عمدتاً آنهایی که منجر به مجروح شدن زنان یا دختران می‌گردید - توسط اداره تحقیقات جنایی پولیس و واحدهای خارنوالی سابق<sup>۹۹</sup> مورد بررسی قرار می‌گرفت و توسط محاکم اداره حاکم با استفاده از قواعد شرعی فیصله می‌شد. در رسیدگی به این گونه شکایات، پولیس و واحدهای خارنوالی سابق اداره حاکم، احکام قوانین حکومت سابق را که آنها سازوگار با قواعد شرعی می‌پنداشتند، تطبیق می‌کردند. از جمله قانون اجراءات جزایی ۲۰۱۴، به ویژه احکام مرتبط به رفتار با بازداشت‌شدگان (مجرم/متهم) و مدت توقیف آنها قبل از محاکمه. با این حال، صورت‌دعواها و اتهام‌نامه‌ها فقط

<sup>۹۸</sup> پاورقی ۸۹ مشاهده گردد.

<sup>۹۹</sup> پاورقی شماره ۸ را مشاهده نمایید

با استفاده از قواعد شرعی تهیه می شدند. شکایاتی که ماهیت مدنی داشت مستقیماً به ریاست عدلیه، محاکم یا میکانیزم های سنتی حل اختلافات ارجاع می شدند.

غیبت افسران پولیس زن در برخی از واحدهای حل پرابلم های خانوادگی<sup>۱۰۰</sup> و این واقعیت که در بعضی ولایت ها<sup>۱۰۱</sup> افسران زن در واحد های حل پرابلم های خانوادگی در تحقیق خشونت های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نقش نداشتند، سبب ترویج خدمات حساس به جنسیت توسط پولیس که برای دسترسی به عدالت رسمی لازم است، نمی گردد. در توصیه عمومی شماره ۳۰، کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان اشاره می کند که دولت ها باید دسترسی زنان و دختران به عدالت را تضمین کنند و روش های تحقیقاتی حساس به جنسیت را برای رسیدگی به خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت اتخاذ نمایند.<sup>۱۰۲</sup>

به همین ترتیب هنگام مصاحبه ها خائرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در ۲۲ ولایت به فعالیت خود ادامه می داد، اما آنها نیز منابع غیر یکسان در اختیار داشت. پنج ولایت هیچ خائرنوال زن به عنوان بخشی از این خائرنوالی ها نداشتند.<sup>۱۰۳</sup> در جایی که خائرنوالان زن در این خائرنوالی ها بودند، آنها در رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نقش نداشتند.<sup>۱۰۴</sup> در محیطی که بهره مندی زنان و دختران از حقوق و آزادی های اولیه انسانی شان محدود شده است، مشارکت محدود زنان در نهادهای مجری قانون اداره حاکم، همراه با کاهش ظرفیت، استفاده ناکافی از میکانیزم های تخصصی مذکور و تغییر ساحت کاری آنها خطرات اند که موجب نقض حق دسترسی زنان و دختران به عدالت و بسته شدن رسمی شکایات آنها می گردد.

از آنجایی که پولیس، محاکم و ریاست های عدلیه اداره حاکم، میانجیگری شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت - به شمول اعمال جرم انگاری شده در قانون منع خشونت علیه زن، مانند لت و کوب و محروم کردن زن از ارث- را نسبت به تعقیب عدلی و محاکمه آن از طریق محاکم اداره حاکم ترجیح می دهند، اکثراً کوشش می گردد که شکایات ابتدا از طریق میانجیگری منحیث یک رویه و امر بدیهی، حل و فصل گردد. استفاده از میکانیزم سنتی حل اختلافات در صورتی که مطابق با قواعد بین المللی حقوق بشر عمل نکند، می تواند منجر به نقض حقوق بشر شود. مقامات اداره حاکم موظفند از حقوق هر فردی که از اجراءات این میکانیزم ها متأثر شده اند، محافظت کنند. خشونت های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نباید حتماً به رویه های حل اختلاف جایگزین، از جمله میانجیگری ارجاع داده شود.<sup>۱۰۵</sup>

بعضی از مقامات اداره حاکم<sup>۱۰۶</sup> گفتند که در مواردی که قربانیان محرم نداشته باشند تا با آنها زندگی کنند و یا اقامت قربانیان با محرم شان برای او ناامن تلقی شود، آنها قربانیان را به زندان راجع می کنند. مشخص نشد که آیا این ارجاعات بر اساس دستورات محاکم بوده است یا خیر. براساس حقوق بشر بین المللی،

<sup>۱۰۰</sup> پاورقی ۶۱ و ۶۲ مشاهده گردد.

<sup>۱۰۱</sup> پاورقی شماره ۶۳ مشاهده گردد.

<sup>۱۰۲</sup> کمیته سازمان ملل متحد برای منع خشونت علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۰ راجع به زنان در پیشگیری از منازعه [مسلحانه]، منازعه و وضعیت پسا منازعه [مسلحانه]، CEDAW/GC/30، ۱ نوامبر ۲۰۱۳، بند ۳۸ (ج).

<sup>۱۰۳</sup> پاورقی شماره ۷۸ را مشاهده گردد.

<sup>۱۰۴</sup> پاورقی شماره ۷۹ را مشاهده گردد.

<sup>۱۰۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، حقوق مدنی و سیاسی بین المللی، نظر عمومی شماره ۳۲، ماده ۱۴: حق برابری در برابر محاکم و دیوانهای آن و محاکمه عادلانه، CCPR/C/GC/32، ۲۳ اگست ۲۰۰۷، پاراگراف ۳۴؛ کمیته سازمان ملل متحد برای محو خشونت علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۰ در مورد زنان و پیشگیری از منازعات، حالات منازعه و پسا منازعه، CEDAW/GC/35، ۲۶ جولای ۲۰۱۷، پاراگراف ۳۲ (ب).

<sup>۱۰۶</sup> پاورقی شماره ۹۶ را مشاهده نمایید.

محرومیت از آزادی باید نه خودسرانه باشد و نه هم غیر قانونی. اصطلاح خودسرانه شامل عناصر از قبیل نامناسب بودن، ناعادلانه بودن، پیش بینی ناپذیری، بدون طی مراحل قانونی و نیز فاقد عناصر معقولیت، ضرورت و تناسب<sup>۱۰۷</sup> می شود. حبس زنان در زندان ها، بدون اجرای قوانین جزایی، به منظور محافظت آنها در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت، به مثابه ی محرومیت خودسرانه از آزادی است. حبس کردن زنانی که قبلاً در وضعیت آسیب پذیری در محیط مملو از خشونت قرار داشته، احتمالاً تأثیر منفی بر سلامت روحی و جسمی آنها، خواهد گذاشت و پس از آزادی آنها را در معرض قربانی شدن مجدد، تبعیض و بدنامی قرار می دهد. مقامات اداره حاکم مسئولیت دارد که از زنان و دختران در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت محافظت نمایند، از جمله از طریق جلوگیری از آسیب احتمالی به آنها با استفاده از مهیا نمودن خانه های امن یا سرپناه لازم<sup>۱۰۸</sup> برای ارجاع زنان و دختران تحت تهدید به آنها.

از لحاظ تاریخی، دسترسی به عدالت برای زنان و دختران افغان که قربانی خشونت مبتنی بر جنسیت بودند، مملو از چالش هایی بوده است که ناشی از مفاهیم اجتماعی-فرهنگی و هنجارها و رسوم جنسیت زده است که ذاتاً برای زنان و دختران تبعیض آمیز می باشد. بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، افغان ها تلاش های پرزحمتی را برای تغییر رفتارهای سنتی مضر و بهبود حقوق زنان و دختران انجام دادند. این تلاشها، شامل اصلاح قوانین و پالیسی ها، ایجاد میکانیزم های تخصصی [مبارزه با خشونت علیه زنان]، استخدام و آموزش پرسنل متخصص در نهادهای مجری قانون و عدالت، و ایجاد مراکز حمایتی زنان و غیره می شد. اینها همه از زمان تسلط طالبان بر کشور ناپدید شدند. قربانیان، دیگر تضمین های حقوقی و قضایی و ضمانت اجرای مدنی و جبران خسارات دریافت نمی کنند. بنابر گزارشها<sup>۱۰۹</sup> آنها از مقامات اداره حاکم و اقدامات خودسرانه آنها می ترسند، در نتیجه حل و فصل قضایی خود را از مجرای عدالت رسمی و نهادهای مجری قانون اداره حاکم انتخاب نمی کنند.

به عنوان متولیان تعهدات دولت افغانستان برای احترام، حمایت و تحقق حقوق شهروندان افغان از جمله زنان، مقامات اداره حاکم مسئول هستند که "اهتمام لازم" را جهت محافظت از زنان و دختران در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت، به خرج دهند. این بدان معناست که مقامات اداره حاکم باید تمام اقدامات لازم را برای پیشگیری، و همچنین برای تحقیق، تعقیب و مجازات ارتکاب عمل یا امتناع از عمل توسط بازیگران غیردولتی که منجر به خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان می شود، انجام دهند و تدابیر لازم را برای جبران آن نیز اتخاذ نمایند.<sup>۱۱۰</sup> این شامل حمایت قانونی می شود که پاسخگویی مرتکبین را تضمین کند و به فرهنگ همیشگی معافیت از مجازات در خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران پایان دهد. این همچنان شامل موجودیت و قابل دسترس بودن خدمات برای قربانیان در قسمت تامین عدالت، جبران خسارت، حمایت های درمانی و روانی-اجتماعی و اماکن امن برای جلوگیری از آسیب های فزاینده بیشتر نیز می شود.

<sup>۱۰۷</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، حقوق مدنی و سیاسی بین المللی، نظر عمومی شماره ۳۵، ماده ۹ (آزادی و امنیت شخصی)، CCPR/C/GC/35، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴.

<sup>۱۰۸</sup> برای مثال، به کمیته سازمان ملل متحد برای رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۳ در مورد دسترسی زنان به عدالت، CEDAW/C/GC/33، ۳ اگست ۲۰۱۵، بند ۱۶ پاراگراف (ب) مراجعه کنید.

<sup>۱۰۹</sup> پاورقی شماره ۸۹ مشاهده گردد.

<sup>۱۱۰</sup> کمیته سازمان ملل متحد برای محو خشونت علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۳۵ در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان، به روز رسانی توصیه عمومی شماره ۱۹ (۲۰۱۷)، CEDAW/C/GC/35، ۲۶ جولای ۲۰۱۷.

## ۷.۱. پیشنهادهای

یوناما قویاً از مقامات اداره حاکم طالبان می‌خواهد تا در مطابقت با تعهدات خود بر اساس حقوق بشر بین‌المللی مبنی بر احترام، حمایت و تحقق حق عدم تبعیض و حق برخورداری از تساوی زنان و دختران هم در عمل و هم در قانون اقدامات لازم را اتخاذ نمایند. برای این منظور، یوناما پیشنهاد می‌نماید:

### به مقامات اداره حاکم:

مقامات اداره حاکم باید چارچوب قانونی نافذ که اجرای عدالت را در مورد شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران افغان تعیین و تنظیم می‌کند، تأیید یا روشن کنند.

- چنین چارچوب قانونی نافذ باید با تعهدات افغانستان بر اساس حقوق بشر بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که افغانستان عضو آن است مطابقت داشته باشد. کنوانسیون مذکور دولت را ملزم می‌سازد تا قوانینی را تصویب کند که همه اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران از جمله خشونت روانی را منع نماید.
- چنین چارچوب قانونی نافذ باید تضمین کند که اعمال خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران به درستی به عنوان جرایم تعریف شده باشد.
- چنین چارچوب قانونی نافذ باید شامل پروسیجر مناسب برای تحقیقات و تعقیب عدلی و دسترسی به راه حل‌های موثر و جبران خسارت باشد. برای این منظور، چنین چارچوب قانونی باید نهادهای ذیصلاح مجری قانون و عدالت را در اداره حاکم تعیین کند و نهادهای مذکور باید به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران و مسئولیت‌های خویش در زنجیره عدالت، رسیدگی کنند.

مقامات اداره حاکم باید نهادهای مجری قانون و عدالت اداره حاکم را ملزم سازند که آنها جرایم مندرج مواد ۱۷ تا ۲۱ قانون منع خشونت علیه زن (۲۰۰۹) را بدون توجه به ثبت یا عدم ثبت شکایت توسط قربانی یا انصراف آنها از شکایت مذکور، تحقیق و تعقیب عدلی نمایند. چنین تحقیقات و تعقیب عدلی باید در راستای تعهدات بین‌المللی حقوق بشری مقامات اداره حاکم از جمله احترام، حمایت و تحقق حقوق زنان و دختران برای عدم تبعیض باشد.

- گزارشهای واقعات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران که توسط مردم یا اعضای جوامع به توجه مقامات و نهادهای مجری قانون و عدالت اداره حاکم می‌رسد، فوراً بدون انتظار برای ثبت شکایت توسط قربانی یا خانواده وی، مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار گیرد.

مقامات اداره حاکم باید رویه‌های حساس به جنسیت را در رسیدگی به شکایات مربوط به خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران اتخاذ کنند.

- واحدهای تخصصی قضایی و مجری قانون اداره حاکم - مانند واحدهای حل‌پرابلیم‌های خانوادگی در پولیس و محاکم اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان یا مشابه آن - باید دوباره در سراسر کشور با صلاحیت‌های کاری مشخص و منابع کافی و پرسونل مرد و زن شایسته که آموزشهای لازم را برای رسیدگی به قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران دیده باشند، ایجاد گردد.

- پرسونل زن در این واحدها باید مانند همکاران مرد خود به طور منظم به دفتر حاضر شوند تا موجودیت و قابل دسترس بودن خدمات اجرای عدالت و تطبیق قانون توسط مقامات اداره حاکم برای زنان و دختران را بهبود بخشیده و تأمین نمایند.
- پرسونل زن و مرد آموزش دیده که شایستگی لازم را داشته باشند، باید تنها پرسونل مجری قانون و عدالت باشند که اجازه رسیدگی به شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران را داشته باشند تا مانع قربانی شدن مجدد و بدنامی قربانیان گردد.

مقامات اداره حاکم باید یک چارچوب حقوقی و پالیسی روشنی را برای کنترل و تنظیم میکانیزم های سنتی حل اختلافات به شمول میانجیگری ارائه دهند.

- چنین چارچوب حقوقی و پالیسی باید صراحتاً بیان کند که میانجیگری را نمی‌توان جبراً برای حل و فصل شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران استفاده کرد، و میانجیگری نباید مانع دسترسی زنان به عدالت رسمی گردد.
- همچنان، چنین چارچوب حقوقی و پالیسی باید صراحتاً بیان کند که نهادهای قضایی و مجری قانون اداره حاکم هرگز نباید میانجیگری کنند یا شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران به شمول شکایات مرتبط به جرایم مندرج مواد ۱۷ تا ۲۲ قانون منع خشونت علیه زن را، برای میانجیگری راجع کنند.

مقامات اداره حاکم باید ایجاد مراکز حمایتی زنان [خانه امن] را در همکاری با سازمان های غیر دولتی داخلی و سایر نهادهای ذیصلاح موجود در افغانستان ترویج و تسهیل نمایند و چنانچه قربانیان بخواهند از خدمات مراکز مذکور مستفید شوند، این گزینه را داشته باشند که به دنبال سرپناه امنی باشند که آنها را از آسیب های مکرر و خشونت های بیشتر دور کند.

- در چنین مراکز حمایتی، باید پرسنل زن که آموزش ارائه خدمات حمایتی برای قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت را دیده باشد، استخدام گردد.
- در غیاب نهادهای اختصاصی تحت حمایت دولت، مقامات اداره حاکم باید با نهادهای سازمان ملل متحد در این زمینه همکاری نمایند.
- قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت یا زنان در معرض خشونت نباید به زندان فرستاده شوند.

## به جامعه بین المللی:

به منظور ختم تبعیض علیه زنان و دختران در افغانستان و بهبود یک نظام عدلی قابل دسترس به تمام افغانها مطابق به اصل برابری، جامعه بین المللی باید به دادخواهی دوجانبه یا چند جانبه با مقامات اداره حاکم در باره حقوق زنان و تساوی جنسیت اجتماعی در افغانستان به شمول نیاز به رسیدگی به واقعات/شکایات خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران در مطابقت به حقوق بشر بین المللی، ادامه دهد.

جامعه بین المللی باید به حمایت از مؤسسات داخلی غیر دولتی در افغانستان و سایر نهادهای ذیصلاح برای ارائه خدمات حمایتی به قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت ادامه دهد.

## به تیم کشوری ملل متحد:

تیم کشوری سازمان ملل متحد باید تلاش های هماهنگ را برای نظارت و گزارش دهی در مورد وضعیت زنان و دختران افغان در رابطه به خشونت مبتنی بر جنسیت و دسترسی به خدمات مرتبط به آن به شمول دسترسی به عدالت، حفظ نماید.

پایان

## ضمیمه: پاسخ وزارت امور خارجهٔ ا.ا.ا. به مسودهٔ گزارش بخش حقوق بشر دفتر یوناما در کابل، راجع به خشونت جنسیتی علیه زنان و دختران در افغانستان

ریاست حقوق بشر و امور بین المللی زنان وزارت امور خارجهٔ ا.ا.ا. مسودهٔ گزارش دفتر یوناما در کابل را که راجع به خشونت جنسیتی علیه زنان و دختران در افغانستان می باشد، با چهار نهاد عضو کمیتهٔ بین الوزارتی هماهنگی و تخنیکی و ستره محکمهٔ ا.ا.ا. جهت حقیقت یابی و ارائهٔ پاسخ شریک ساخت که بعد از اخذ نظریات ایشان به رویت حقایق عینی و بعد از ارزیابی و توحید توسط این ریاست، به مسودهٔ گزارش فوق الذکر بخش حقوق بشر دفتر یوناما در کابل، قرار ذیل پاسخ ارائه میگردد:

### ابراز نظر و فعالیت های وزارت امور داخله ا.ا.ا.:

- بخاطر جلوگیری از خشونت علیه زنان، اداراتی چون ریاست حقوق بشر در مرکز و آمریت های حقوق بشر در قوماندانی های امنیه ولایات، حوزات امنیتی، ولسوالی های درجه اول و مدیریت حل مشکلات خانوادگی در چوکات ریاست تحقیقات جنایی وجود دارد و به قضایای خشونت علیه زنان رسیدگی میکنند.
- زنان مطابق شریعت غرای محمدی از حقوق و جایگاه خاصی برخوردار اند و تمام قضایای خشونت علیه زنان مطابق احکام شریعت حل و فصل میشود.
- شریعت اولین میکانیزم در افغانستان است که به تمام قضایا مطابق آن رسیدگی میشود.
- در صورتیکه طرزالعمل های سابقه که مغایر با شریعت نباشند، آنها نیز قابل تطبیق اند.
- شکایت های کتبی و تلفونی هموطنان، به شمول خانم ها در وزارت امور داخله در اداراتی چون ریاست حقوق بشر، مدیریت حل مشکلات و مرکز اطلاعاتی ۱۱۹ پولیس به ثبت میرسند.
- قضایای رسیدگی شده از طرف مدیریت های حل مشکلات و مدیریت های حقوق پولیس به محاکم محول میشوند.
- شکایت ها هم به شکل کتبی و هم به شکل تلفونی از طرف ادارات مربوطه در یافت میگرددند.
- از شروع فتح الی اکنون تعداد (۱۶۹) شکایت کتبی خشونت علیه زنان در ریاست حقوق بشر ثبت شده که به (۱۱۶) آن رسیدگی شده و (۵۳) آن تحت کار است.
- همچنان به تعداد ۹۰ قضیه خشونت علیه زنان از طرف مدیریت حل مشکلات خانوادگی ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی به مراجع مربوطه محول و ۵۵ قضیه تحت کار آن اداره میباشد.
- اولین مرجع در سطح کشور ادارات پولیس اند، مانند ریاست حقوق بشر، حل مشکلات با واحد های دومی شان در ولایات و جزو تام های مستقل، که به شکایات زنان متاثر از خشونت رسیدگی میکنند.
- ادارات پولیس در مرکز و ولایات آمادهٔ ارائهٔ هر نوع خدمات به مردم بوده و خانم ها هم میتوانند بدون ترس آزادانه شکایت خود را ثبت کنند و ادارات مربوطه مکلف به رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان میباشد.
- حکومت امارت اسلامی متعهد به حفظ جان و مال مردم بوده و حیات هیچ تبعهٔ افغان به شمول خانم ها در معرض خطر نبوده تا ضرورت احساس شود که یک خانم به دلیل ترس از اعضای فامیل به خانه های امن پناه ببرد.
- به شمول مدیریت عمومی حل مشکلات در ریاست تحقیقات جنایی، مدیریت عمومی امور زنان، آمریت رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان و آمریت ثبت شکایات در ریاست حقوق بشر فعالیت داشته، همچنان مدیریت های عمومی حقوق پولیس که آمریت های حقوق بشر تحت اثر شان



است، در هماهنگی با آمریت های حل مشکلات در ولایات موجود اند که عندالموقع به شکایات رسیدگی میکنند.

- رسیدگی قضایا به اساس احکام شریعت بوده هیچ نوع بی عدالتی در قبال زنان صورت نمیگیرد. در صورتیکه میزان شدت قضیه زیاد باشد به هیچ عنوان میانجیگری صورت نمیگیرد و دوسیه به محکمه محول میگردد.

## وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان:

راجع به اسناد تقیبنی فرمان شماره ۹ امیر المؤمنین حفظه الله منتشره جریده رسمی ۱۴۳۲ مورخ ۱۴۴۴ در مورد چگونگی طی مراحل اسناد تقیبنی، وزارت ها و ادارات امارتی را مکلف نموده تا مسوده ابتدایی اسناد تقیبنی خویش را توسط علماء، متخصصین و کارکنان مسلکی تسوید و آن مواردی را که جنبه شرعی دارند، ماخذ فقهی از کتب فقه حنفی جستجو و تخریج نمایند و بعداً جهت تحقیق شرعی، تدقیق و ارزیابی دقیق آن به وزارت عدلیه ارسال نمایند. وزارت عدلیه مسوده سند مذکور را بعد از تدقیق و ارزیابی غرض بازنگری، بررسی دقیق نموده و کلیه تصحیحات لازم را به کمیسیون مستقل بازنگری اسناد تقیبنی ارسال می نماید. کمیسیون مذکور مسوده اسناد تقیبنی را غرض توشیح به حضور عالیقدر امیر المؤمنین تقدیم می نماید. تا منحصیث یک سند تقیبنی به منصبه اجرا قرار گیرد.

در رابطه با برخورد با اشخاص تحت توقیف و رعایت حقوق بشری، تعدادی از فرامین عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله در جریده رسمی شماره ۱۴۳۲ سال ۱۴۴۴ نشر گردیده است که حسب ذیل ذکر می گردند:

- فرمان شماره ۸۳/ج/۱ مورخ ۱۴۴۳/۴/۲۷ عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله در مورد حقوق زنان.
- فرمان شماره ۲۸ مورخ ۱۱ / ۸ / ۱۴۴۳ عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله راجع به تمام مجاهدین.
- در رابط به قانون اساسی قبلا طی مکاتیب متعدد پاسخ ارائه گردیده است.
- آن عده از موضوعات حقوقی متعلق به زنان و دختران که در این مسوده تذکر به عمل آمده است.

قابل ذکر است که امارت اسلامی افغانستان طرز العمل و کلای مدافع را تصویب و نافذ نموده است که به اساس آن اشخاص، به شمول زنان و دختران یا نماینده قانونی آنها میتوانند برای پیش برد قضایای مربوط، به وکلای مدافع دست رسی داشته باشند. علاوه، ریاست مساعدت حقوقی طور رایگان وکیل مدافع توظیف می نماید.

وزارت عدلیه در مورد ارائه خدمات حقوقی برای اشخاص تحت توقیف، مخصوصاً زنان و دختران، طبق احکام شریعت اسلامی و پالیسی امارت اسلامی افغانستان عمل نموده و با تشریک مساعی سایر ادارات ذیربط از طریق توظیف وکلای مدافع رایگان به سهم خویش خدمات حقوقی انجام می دهد.

## نظریات لوی ریاست تعقیب احکام و فرامین امارت اسلامی افغانستان

- مسوده گزارش یوناما نشاندهنده نظریات بخش حقوق بشر آن نهاد است و بیشترین حصه آن بر نظریات و مصاحبه های اشخاص و افراد بنا شده و از نظر قوانین اداره سابق به آن استناد شده.
- حقوق زنان و دختران در چوکات شریعت اسلام معلوم گردیده و ما به آن حقوق متعهد می مانیم. اینکه اداره سابق بر بنیاد کنوانسیون های بین المللی در این موضوع چه تعهدات را انجام داده، برای این کار ضرورت است که امارت اسلامی در یک سطح کلان تصمیم اتخاذ نماید. همچنان این ریاست در قسمت بوجود آمدن یک مرجع واحد شرعی جهت تحقیق شکایات زنان و دختران در سطح تمام ولایات بدون مداخله ادارات مختلف دیگر، موافقت دارد. از نظر این ریاست، شورای علما در هر ولایت موجود بوده و عملاً کار میکند. در مرحله نخست، این شکایات از طریق شورای علما حل

وفصل گردد. اگر موضوع پیچیده و قابل حل در این شورا نباشد، جهت فیصله شرعی بهتر خواهد بود به محاکم راجع شود.

## نظریات وزارت امر بالمعروف، نهی عن المنکر وسمع شکایات

در قسمت انواع شکایات در یافت شده این وزارت که رسیدگی به آن صورت گرفته، از تصرف در میراث افراد، منع حق ازدواج یا حق انتخاب شوهر، ازدواج اجباری، ضرب و شتم را دریافت کرده و متضررین را در کنار راهنمایی های لازم به ادارات ذریبط معرفی کرده تا اینکه حقوق حقه ایشان احقاق پیدا کند و این حقیقت نشاندهنده منع خشونت علیه زنان و دختران افغانستان است.

- همچنان این وزارت از مراجع مربوطه در موردی منع خشونت علیه زنان و دختران، قضایایی را برای میانجیگری مدعیان دریافت کرده و این را وظیفه خود دانسته به آن شکایات رسیدگی نموده است. اما در موضوع میانجیگری رضایت جانبین شرط است و در صورت عدم رضایت موضوع جانبین به محاکم راجع می شود. ریاست های مربوطه این وزارت، برای هر شکایت مراجع خاص خود را در نظر دارند و موضوعات شاکی را به مراجع مربوطه راجع و تا آن زمان تعقیب می کند که موضوع در مراجع مربوطه حل شود.
- در راپور یونااما ادعا شده که "عدم یک چوکات برای رسیده گی و راه حل منازعات و مشکلات زنان و دختران وجود ندارد" این را رد می کنیم. چون اساس قانون ما کتاب مقدس الله تبارک و تعالی، ارشادات و اقوال پیامبر حضرت محمد "ص" و ائمه عظام است که از قرنها به این سو تمام موضوعات و مسائل مسلمانها به آن حل و فصل می گردد که به این قانون الهی نسبت کمی حقوق زنان یک نوع بی علمی و بی خبری است. دین ما کامل و قانون ما هم به آن برابر است، به حقوق مردان و زنان رسیده گی صورت می گیرد و به طور همه جانبه در این نظام به حقوق مردان به خصوص زنان توجه شده و از آن دفاع می شود.

### پایان